



آغاز تخلیه پایگاه‌های نیروهای خارجی؛ «پایگاه‌ها به نیروهای افغان واگذار می‌شود»



صفحه ۲

وزارت داخله:

در ۱۲ روز ماه رمضان
۶۳ غیرنظامی در حملات
طالبان کشته شده‌اند

صفحه ۲

نماینده‌ی ویژه‌ی
پاکستان برای افغانستان
در رأس هیأتی به کابل آمد

صفحه ۲

چالش کمبود آموزگار در افغانستان؛

وزارت معارف مضامین درسی را
ادغام می‌کند

صفحه ۲

امسال بیش از ۲۰۰ هزار
دانش آموز در آزمون کانکور
شرکت می‌کنند



صفحه ۲

یادداشت روز

کمبود آموزگار در معارف قابل قبول نیست

سال گذشته هنگامی که طبیعت جان دوباره می‌گرفت و کودکان لبریز از اشتیاق رفتن به مکتب بودند، شیوع ویروس کرونا در جهان و افغانستان دروازه‌های مکاتب را تخته کرد. دانش‌آموزان در افغانستان در انتظار بازگشت مکاتب بودند. وزارت معارف درس‌های آنلاین را طراحی کرد اما در روستاها و نقاط مختلف کشور، حتا در پایتخت، دانش‌آموزان نه برق داشتند و نه اینترنت لازم برای شرکت در صنف‌های آنلاین. سال تحصیلی ۱۳۹۹ دانش‌آموزان مکاتب را قرنطین و کرونا به پایان رساند.

سال جدید تحصیلی که آغاز شد، دانش‌آموزان با حدود یک سال فاصله از درس حضوری به مکاتب رفتند اما به زودی متوجه شدند که بسیاری چیزها دیگر مثل سابق نیست. علاوه بر شرایطی که شیوع ویروس کرونا تحمیل کرده است، نبود کتاب درسی و آموزگار دانش‌آموزان را به چالش کشید. حتا در پایتخت دانش‌آموزان در برخی از مکاتب به نبود کتاب درسی و آموزگار اعتراض کردند...

۲

ترجمه ۴

افلاطون در سیسیل

افلاطون برای تحقق ایده «فیلسوف-شاه» جان خود را به خطر انداخت و سه بار به دربار فاسد و رو به زوال سیراکوز سفر کرد.

آشفته‌بازار سیاست آتن به‌طور جدی فکر کرد، اما بعداً تشخیص داد اصلاحاتی که او برای قانون اساسی آتن و نظام آموزشی آن در سر دارد، شانسی برای تحقق ندارند. افلاطون هرچند خودش را وقف مطالعه‌ی...

در سال ۳۸۸ پیش از میلاد، افلاطون تقریباً چهار ساله بود. او تا این دم کودتای الیگارشی، بازگشت دموکراسی و اعدام معلم محبوبش، سقراط را توسط آتنی‌ها پشت سر گذاشته بود. افلاطون در جوانی درباره‌ی ورود به...

تلاش ۵



سناریوی افغانستان در صورت شکست نشست استانبول

پس از این که برگزاری نشست استانبول در زمان تعیین شده به تعویق افتاد، وزرای خارجه افغانستان، ترکیه و پاکستان در نشستی که روز جمعه (۳ ثور) در ترکیه داشتند، طی یک بیانیه‌ی مشترک بر ضرورت برقراری آتش‌بس و ایجاد فضای مناسب برای...

تلاش ۳

«میکل آنز افغانستان» در ایران؛ سرایداری که مجسمه‌ساز شد

علیخان عبداللہی را بیشتر اطرافیان در تهران با عنوان کارش می‌شناسند: یک سرایدار افغان. اما اهالی هنر این شهر به او «استاد» می‌گویند؛ نه استاد سرایداری که استاد مجسمه‌سازی. معمولاً وقتی کارهای او در گالری‌ها و نمایشگاه‌های معتبر تهران به قیمت میلیونی به فروش گذاشته می‌شود، برای بازدیدکنندگان سخت است باور کنند که خالق آن، دست‌های کارگر یک افغان است. برای همین در نظر خیلی‌ها او خودش عجیب‌وغریب‌تر از مجسمه‌هایی است که می‌سازد. مردی ۵۸ ساله‌ای که ۳۱ سال می‌شود در ایران با کارت شناسایی موقت زندگی می‌کند و تمام این ۳۱ سال در ساختمانی پنج طبقه در قلب تهران متعهدانه سرایدار بوده است. آن جرقه‌ی بیدارکننده علیخان عبداللہی در زندگی‌اش بیشتر از...

۳



بسته‌های ویژه اینترنتی برای
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



ادامه‌یادداشت‌روز

این اعتراض به حدی بود که گزارش شد در بسیاری از مکاتب در غرب شهر کابل به‌دلیل نبود آموزگار، صنف‌های درسی در بی‌سرنوشتی به‌سر می‌برد و دانش‌آموز نیز از تشکیل‌نشدن صنف شکایت دارند.

براساس آمارهای رسمی سال ۱۳۹۸، حدود ۷۰ هزار آموزگار در نظام تعلیمی معارف کمبود است. در یک مورد در هفته گذشته معترضان در کابل ادعا کردند که تنها در ناحیه سیزدهم شهر کابل حدود یک‌هزار و ۳۰۰ آموزگار کمبود است و آموزگاران که در سال پیش از آن به‌گونه‌ی قراردادی استخدام شده بودند، در سال جدید قرارداد دریافت نکرده‌اند. در میان آموزگاران موجود هم حدود ۵۰ درصد آن‌ها غیرمسلمی‌اند. آمار امسال وزارت معارف نیز نشان می‌دهد که تنها ۲۰ درصد از آموزگاران درجه‌ی تحصیلی لیسانس دارند. ۵۷ درصد آن فوق بکلوریا (۱۴ پاس) و باقی آن درجه‌ی بکلوریا (۱۲ پاس) را دارند. علاوه بر مشکلات نبود آموزگار، مکاتب افغانستان کمبود ساختمان نیز دارد. براساس آمار رسمی وزارت معارف، از مجموع ۱۸ هزار مکتب در سراسر کشور، حدود ۴۱ درصد این مکاتب ساختمان ندارد. حکومت افغانستان در خصوص اعمار ساختمان نیز تاکنون ناکام بوده است. به‌گونه‌ی نمونه، وزارت معارف گفته بود که در سال ۱۳۹۸ کار ساخت حدود دوهزار و ۷۰۰ مکتب تکمیل می‌شود اما اکنون آمار این وزارت نشان می‌دهد که در این سال تنها ۲۵۰ مکتب ساخته شده است.

به دنبال رسانهای‌شدن موضوع کمبود آموزگار در مکاتب، به‌ویژه مکاتب پایتخت، حکومت اعلام کرد که روند استخدام ۱۱ هزار آموزگار را شروع کرده است. این رقم در ۲۱ ولایت طی دو مرحله قرار است استخدام شود اما از حالا پیدا است که حکومت نیازمندی‌های معارف و مردم را به‌گونه‌ی درست اولویت‌بندی نکرده است. هرچند رییس‌جمهور غنی در مراسم افتتاح روند استخدام این آموزگاران بر توزیع عادلانه‌ی بست‌های آموزشی در بخش‌های مختلف کشور تأکید کرد اما نگاهی گذرا به فهرست بست‌ها نشان می‌دهد که حوزه‌های آموزشی سیزدهم، ششم، دوم و سوم شهر کابل از جمله حوزه‌هایی‌اند که برخلاف نیازمندی آن‌ها کم‌ترین بست آموزشی برای این مناطق در نظر گرفته شده است.

معارف اساس و بنیاد یک جامعه است. در کشور جنگ‌زده‌ای مثل افغانستان باید اولویت اساسی حکومت رسیدگی به امور معارف باشد. اصلاح و تقویت معارف نخستین گزینه برای رشد و ترقی جامعه و کشور می‌تواند باشد. استخدام آموزگاران مسلکی، با توجه به بیکاری گسترده در میان هزاران جوانی که از دانشگاه‌ها فارغ می‌شوند، یکی از کارهایی است که وزارت معارف و در مجموع حکومت می‌تواند انجام دهد. علاوه بر این، حکومت افغانستان و رهبری وزارت معارف باید نیازمندی‌های معارف را اولویت‌بندی نموده و استخدام آموزگاران و اختصاص بست‌های آموزشی به مکاتب را به‌صورت عادلانه انجام دهد.

نظام معارف کشور از فساد آسیب‌پذیر است. در سال‌های گذشته مسئولان وزارت معارف برای صدها آموزگار خیالی فهرست ساخته و نام آن‌ها را درج سیستم کرده است. هرچند هنوز رقم دقیق آموزگاران خیالی روشن نیست اما دیده می‌شود که مسئولان این وزارت اولویت‌ها و نیازمندی‌های مردم و معارف را یا نمی‌دانند و یا گستردگی فساد باعث شده است نیازمندی‌ها دیده نشود. حکومت بایستی هرچه فوری‌تر به این معضل رسیدگی نموده و عدالت را در این زمینه تأمین کند.

آغاز تخلیه‌ی پایگاه‌های نیروهای خارجی؛ «پایگاه‌ها به نیروهای افغان واگذار می‌شود»

میلر در عین حال خطاب به طالبان گفته است که برگشت به خشونت و تلاش برای اقدام نظامی پس از ماه می برای افغانستان و مردم این کشور یک تراژدی خواهد بود. او درحالی که سطح بلند خشونت‌های طالبان را به ضرر روند صلح دانسته، همچنان گفته است که صلح و توافق سیاسی تنها راه پایان جنگ در افغانستان است. میلر تأکید کرده است در صورتی که طالبان

اطلاعات روز: اسکات میلر، فرماندهی عمومی نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان می‌گوید که روند تخلیه‌ی پایگاه‌های نیروهای خارجی در این کشور آغاز شده است. همزمان با این، آقای میلر دیروز (یکشنبه، ۵ ثور) در صحبت با خبرنگاران در کابل گفته است که تمامی پایگاه‌های نیروهای خارجی به نیروهای افغان واگذار می‌شود.

شد. مقام‌های دولت افغانستان در پاسخ به نگرانی‌ها در مورد آینده‌ی افغانستان پس از خروج نظامیان خارجی از این کشور، گفته‌اند که نیروهای امنیتی و دفاعی افغان توانایی دفاع مستقلانه از کشور و مردم‌شان را دارند. طالبان اما ضمن استقبال از خروج نظامیان خارجی از افغانستان، تأخیر در این روند را نقض توافق‌نامه‌ی دوحه دانسته‌اند.

هنگام خروج نیروهای امریکایی و دیگر نیروهای خارجی بر این نیروها حمله کنند، با «پاسخ قوی» مواجه خواهند شد. براساس توافق‌نامه‌ی دوحه که میان امریکا و طالبان امضا شد، قرار بود تمامی نیروهای خارجی تا اول ماه می افغانستان را ترک کنند، اما امریکا و ناتو اعلام کرده‌اند که خروج از افغانستان با پنج ماه تأخیر در ۱۱ سپتامبر سال جاری میلادی تکمیل خواهد

وزارت داخله:

در ۱۲ روز ماه رمضان ۶۳ غیرنظامی در حملات طالبان کشته شده‌اند

اطلاعات روز: وزارت امور داخله‌ی کشور می‌گوید که در ۱۲ روز اول ماه رمضان (از ۲۵ حمل تا ۵ ثور) ۶۳ غیرنظامی در نتیجه‌ی حملات جنگ‌جویان گروه طالبان کشته شده‌اند.

طارق آرین، سخن‌گوی وزارت داخله دیروز (یکشنبه، ۵ ثور) گفته است که این تعداد غیرنظامیان در نتیجه‌ی شش حمله‌ی انتحاری، ۶۲ مورد انفجار ماین و سایر تحرکات طالبان کشته شده‌اند. آقای آرین افزود که در نتیجه‌ی این حملات طالبان، ۱۸۰ غیرنظامی دیگر نیز زخمی شده‌اند.

او تأکید کرد که در میان کشته‌شدگان زنان و کودکان نیز شاملند. همچنان به‌گفته‌ی سخن‌گوی وزارت داخله، در این حملات طالبان، خسارات مالی نیز به غیرنظامیان وارد

شده است. از سوی هم، او گفت که در پاسخ به حملات تهاجمی طالبان در ۱۲ روز گذشته، تعدادی از فرماندهان برجسته و افراد این گروه کشته و سرکوب شده‌اند.

اما گروه طالبان کشته‌شدن این تعداد غیرنظامی را توسط جنگ‌جویانش رد کرده است. ذبیح‌الله مجاهد، از سخن‌گویان طالبان گفته است که جنگ‌جویان این گروه هیچ گونه حمله در این مدت علیه غیرنظامیان راه‌اندازی نکرده‌اند.

از مدتی به این طرف دولت و گروه طالبان با نشر آماری از تلفات غیرنظامیان یک دیگر را به کشتن غیرنظامیان متهم می‌کنند. اما نهادهای مستقل ملی و بین‌المللی در گزارش‌های خود، گروه طالبان را عامل بیشتر تلفات غیرنظامی در کشور می‌دانند.

نماینده‌ی ویژه‌ی پاکستان برای افغانستان در رأس هیأتی به کابل آمد



اطلاعات روز: محمد صادق، نماینده‌ی ویژه‌ی پاکستان برای افغانستان دیروز (یکشنبه، ۵ ثور) در رأس هیأتی به کابل آمده است.

منصور احمد خان، سفیر پاکستان در کابل در توییتی گفته است که محمد صادق پس از ورود به کابل با میرویس ناب، معین سیاسی وزارت خارجه‌ی افغانستان دیدار کرده است. سفیر پاکستان همچنان گفته است که دو طرف در این دیدار در مورد روند صلح افغانستان و روابط دوجانبه میان کابل و اسلام‌آباد بحث‌های سازنده داشته‌اند.

منصور احمد خان پیشتر در یک توییت دیگر گفته بود که محمد صادق قرار است با مقام‌های افغان درباره‌ی صلح، امنیت و موضوعات مورد علاقه‌ی دو کشور صحبت

پاکستان از دیدار با محمد صادق خبر داده است.

آقای داوودزی در توییتی نوشته است که دو طرف در این دیدار در مورد تجارت و ترانزیت، گفت‌وگوهای جاری صلح و دیگر موضوعات بحث کرده‌اند.

این درحالی است که دو روز پیش حمدالله محب، مشاور امنیت ملی افغانستان در یک نشست خبری گفته بود که یک هیأت از پاکستان برای بحث روی مسایل تخنیکی و موضوعاتی که در مورد آن میان دو کشور مشکل وجود دارد، به کابل می‌آید.

آقای محب همچنان گفته بود که سفر این هیأت در ادامه‌ی نشست‌هایی انجام می‌شود که چند ماه پیش در بحرین شروع شده بود. او تأکید کرده بود: «ما همیشه گفته‌ایم که

کند.

از سوی هم، محمدعمر داوودزی، نماینده‌ی ویژه‌ی رییس‌جمهور اشرف غنی در امور

باید مشکل با پاکستان حل شود.» پاکستان همواره از سوی مقام‌های دولت افغانستان به همکاری با طالبان و تجهیز جنگ‌جویان این گروه متهم شده است، اتهامی که در گذشته از سوی پاکستان رد شده است.

به تازگی نیز امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری گفته است که طالبان از مواد انفجاری آمونیم نترات و مواد انفجاری نظامی که توسط پاکستان تأمین می‌شود، استفاده می‌کنند.

آقای صالح همچنان در توییتی نوشته است که طالبان با استفاده از این موادها به تولید انبوه بمب‌های دست‌ساز می‌پردازند و تلفات غیرنظامیان در نتیجه‌ی انفجار این بمب‌های مرگبار جنایتی علیه بشریت است.

امسال بیش از ۲۰۰ هزار دانش‌آموز در آزمون کانکور شرکت می‌کنند

اطلاعات روز: اداره‌ی ملی امتحانات می‌گوید که روند بیومتریک داوطلبان آزمون سراسری کانکور در ۲۵ ولایت عملاً جریان دارد و آزمون کانکور در این ولایات از هشتم ثور آغاز و در دهم ثور به پایان می‌رسد.

دوست‌محمد فیضی، سخن‌گوی اداره‌ی ملی امتحانات در سه مرحله تنظیم شده است. برنامه‌ی برگزاری آزمون سراسری کانکور در ولایت‌های سمنگان، سرپل، غور،

براساس برنامه‌ی اداره‌ی ملی امتحانات، آزمون کانکور در ولایت‌های سمنگان، سرپل، غور، نیمروز، بادغیس، فراه، نورستان، پکتیکا، دایکندی، زابل، ارزگان، هلمند، قندهار، بامیان، میدان‌وردک، لوگر، پکتیا، خوست، کاپیسا، پنجشیر، لغمان، کنر، پروان، ننگرهار و بغلان در مرحله‌ی اول گرفته می‌شود.

همچنان مرحله‌ی دوم آزمون کانکور در ولایت‌های فاریاب، قندوز، جوزجان، غزنی، بلخ، هرات، تخار و پنج حوزه‌ی ولایت بدخشان به تاریخ ۳۰ و ۳۱ ثور برگزار خواهد شد.

سخن‌گوی اداره‌ی ملی امتحانات کانکور افزود که مرحله‌ی سوم آزمون کانکور در کابل برگزار می‌شود. طبق برنامه، زمان امتحان کانکور در شهر کابل تاریخ ۱۴ جوزا و در ولسوالی‌های ولایت کابل تاریخ ۱۵ جوزا تعیین شده است.

با این حال، آقای فیضی می‌گوید که امسال به‌صورت تخمینی بین ۲۰۰ تا ۲۱۰ هزار داوطلب در آزمون کانکور در سراسر کشور شرکت خواهند کرد.

او افزود که براساس فیصله‌ی وزارت تحصیلات عالی، برای فارغان صنف‌های دوازدهم سه چانس شرکت در آزمون کانکور داده شده و ممکن است تعداد داوطلبان این آزمون امسال افزایش یابد.

پیش از این فارغان صنف‌های دوازدهم دو چانس شرکت در آزمون کانکور را داشتند. سخن‌گوی اداره‌ی ملی امتحانات تأکید کرد که تمامی کسانی که در سال‌های گذشته دو بار در آزمون کانکور ناکام و یا بی‌نتیجه مانده‌اند، حق شرکت در آزمون کانکور را دارند.

چالش کمبود آموزگار در افغانستان؛

وزارت معارف مضامین درسی را ادغام می‌کند



اطلاعات روز: در پی اعتراض‌های گسترده‌ی دانش‌آموزان نسبت به کمبود آموزگار در مکاتب کشور، وزارت معارف می‌گوید که برای رفع این چالش، مضامین درسی را ادغام می‌کند.

عطاالله واحدیار، معین تعلیم و تربیه‌ی وزارت معارف که دیروز (یکشنبه، ۵ ثور) در نشست استجوابیه مجلس سنا صحبت می‌کرده، گفته است: «ما (وزارت معارف) روی یک سیستم جدید ادغام سازی مضامین دروزارت معارف کار می‌کنیم که با تطبیق این سیستم مشکلات کمبود آموزگار رفع خواهد شد.»

آقای واحدیار افزوده است که هم‌اکنون وزارت معارف ۹۲ درصد بودجه‌ی عادی خود را برای معاشات کارمندان و آموزگاران

بیومتریک خواهند شد.

این مقام وزارت معارف کشور درحالی این گفته‌ها را مطرح می‌کند که اخیراً دانش‌آموزان مکاتب در تعدادی از ولایت‌ها از جمله کابل و غور نسبت به کمبود آموزگار و کتاب درسی اعتراض کرده بودند. این دانش‌آموزان گفته بودند که از آغاز سال جدید آموزشی تاکنون کمبود آموزگار و کتاب درسی‌شان رفع نشده است.

دانش‌آموزان و از جمله دانش‌آموزان «لیسه‌ی فیض‌محمد کاتب» در غرب کابل با حمل پلاکارت حاوی «وزیر صاحب! ما آموزگار می‌خواهیم» و «وزیر صاحب! ما کتاب می‌خواهیم» از وزارت معارف خواهان رفع رسیدگی مشکل کمبود آموزگار و کتاب درسی‌شان شده بودند.

متباقی ۱۵ فیصد براساس گفته‌های عطاالله واحدیار، بنا بر نام‌بودن ولایات‌شان از این روند باز مانده‌اند و در آینده‌ی نزدیک

«میکل آنژ افغانستان» در ایران؛ سرایداری که مجسمه‌ساز شد



عکس ارسالی به اطلاعات روز

عابر شایگان

علیخان عبداللہی را بیشتر اطرافیاناش در تهران با عنوان کارش می‌شناسند: یک سرایدار افغان. اما اهالی هنر این شهر به او «استاد» می‌گویند؛ نه استاد سرایداری که استاد مجسمه‌سازی. معمولاً وقتی کارهای او در گالری‌ها و نمایشگاه‌های معتبر تهران به قیمت میلیونی به فروش گذاشته می‌شود، برای بازدیدکنندگان سخت است باور کنند که خالق آن، دست‌های کارگر یک افغان است. برای همین در نظر خیلی‌ها او خودش عجیب‌وغریب‌تر از مجسمه‌هایی است که می‌سازد. مردی ۵۸ ساله‌ای که ۲۱ سال می‌شود در ایران با کارت شناسایی موقت زندگی می‌کند و تمام این ۲۱ سال در ساختمانی پنج طبقه در قلب تهران متعهدانه سرایدار بوده است.

آن جرقه‌ی بیدارکننده

علیخان عبداللہی در زندگی‌اش بیشتر از همه چیز به «جرقه» معتقد است؛ از آن‌دست جرقه‌هایی که می‌تواند اسباب خوشبختی یا بدبختی کسی شود. برای خودش خوشبختی به دنبال داشته است. آنچنان که مسیر زندگی‌اش را از کارگر ساده به کارگر هنرمند عوض کرده است.

«من همیشه گفته‌ام در زندگی انسان یک جرقه لازم است. انسان‌ها همه یک تخیل درونی دارند و بیداری این تخیل نیازمند جرقه است. شبیه موتوری که یک آهن مرده است اما با یک جرقه روشن می‌شود.»

او از سال ۱۳۶۹ که به علت جنگ‌های داخلی و وضعیت آشفته‌ی افغانستان از اجرستان غزنی به ایران مهاجرت کرد، در یک مجتمع پنج‌طبقه‌ای در میان میدان ولی عصر و پل کریم خان زند در شهر تهران سرایداری می‌کند. یک روز وقتی پله‌ها و جلوی ورودی ساختمان را آب و جارو می‌زد، یک پیرمرد ۸۰ ساله با قد متوسط و از یک چشم نابینا را آن‌جا دید که با شست دست چپ خود روی کاغذ نقاشی می‌کرد. علیخان عبداللہی فکر کرد که پیرمرد معتاد است و برای همین اعتنایی به او نکرد. اما او معتاد نبود، حسن حاضر مشار بود. پیرمردی که در جوانی در مازندران نجاری می‌کرده و بعد از فوت خانمش در پیاده‌روهای تهران بساط پهن می‌کرد و برای آرامی اعصابش نقاشی می‌کشید. کسی که باعث شد در آوان ۳۲ سالگی، هنر و استعداد نهفته‌ی علیخان بی‌سواد بیدار شود یا به قول خودش جرقه بخورد: «بعد از یکی‌دو سال که باهم دوست شدیم، همیشه به من می‌گفت: هیچ کار نشد ندارد، به جز مرگ. سستی نکن. من آن‌وقت متوجه نمی‌شدم که منظورش از این حرف‌ها چیست. یک روز ناخواسته برایش گفتیم بیا مجسمه درست کنیم. با لهجه‌ی شمالی‌اش گفت شما مجسمه بلدی؟ گفتم نه. گفت چرا الکی می‌گویی؟ گفتم خودت نگفتی که سستی نکن و هیچ‌کاری نشد ندارد. بعد بنده‌ی خدا گفت آفرین! راهش همین است. برو ببینم چه کار می‌توانی.»

علی‌خان بعد از ردوبدل این دیالوگ کوتاه برای

تهیه‌ی موادساخت مجسمه در بغل دستش زیر پل کریم خان زند می‌رود و مقداری چوب و ضایعات جمع‌آوری می‌کند. بعد با نخ و میخ اسکلت مجسمه را می‌سازد. آن‌وقت به مشاوره‌ی حسن حاضر مشار برای تهیه‌ی خمیر مجسمه‌ها، دو کیسه مغز نان فراهم می‌کند و آن را با خاک باغچه‌ی ساختمان مخلوط می‌کند و چند تا مجسمه می‌سازد: «وقتی زیرسازی‌ها را شکل دادیم، دیدیم که مثل آثار باستانی که از زیر خاک درمی‌آورند، شکسته و کهنه است. گفتم اوستا حسن بیا چه مجسمه‌های خوبی شده است. گفت بد نیست.»

علیخان بعد از این ماجرا چهار-پنج مجسمه‌ی دیگر به همین شکل می‌سازد و در بساط حسن حاضر مشار که جلوی ساختمانی که او آن‌جا سرایداری می‌کرد، می‌گذارد. قبل از این اتفاق هم علیخان از شهرو بازار کارت پستال، منظره و عکس هنرمندان را می‌خرد و برای فروش در بساط این پیرمرد می‌گذاشت. روزی رهگذری از آن‌جا می‌گذرد و چشمش به مجسمه‌های دست‌ساز علیخان می‌افتد و هر مجسمه را به قیمت هزار تا دو هزار تومان می‌خرد. بعد از این اتفاق او به حسن حاضر مشار سفارش می‌کند که از این مجسمه‌ها باز هم بسازد و او تمام آن را می‌خرد. علیخان که از این اتفاق بسیار خوشحال شده بود، انگیزه و شوق بیشتری برای ساخت مجسمه پیدا می‌کند. او که حالا هم کارش را بلد شده و هم مشتری پروپاقرصی پیدا کرده بود، دنبال مواد بهتر از مغز نان برای خمیر مجسمه می‌گردد. یک روز که به سفارش خانمش برای خرید به سر کوچه می‌رود، چشمش به شانه‌ی تخم مرغ می‌افتد که در جوی آب افتاده و خمیر شده است. شانه‌ی تخم مرغ را برمی‌دارد و با سریش مخلوط می‌کند. به این ترتیب مواد دلخواهش برای درست‌کردن خمیر مجسمه را پیدا می‌کند. آن مشتری دایمی که بعد از دو سال کارهای او را از بساط پیرمرد جلوی مجتمع می‌خرد، یک روز خودش را معرفی می‌کند. مشتری سرایدار افغان و پیرمرد کنار خیابان کامبیز درمبخش است؛ کاریکاتورست، طراح و گرافیست معروف ایرانی که برنده‌ی چندین جایزه بزرگ و معتبر جهانی است.

یک روز این مشتری مشتاق از راه می‌رسد و به علیخان و حسن حاضر مشار پیشنهاد می‌دهد که فردا به نمایشگاه او اشتراک کنند. آن‌ها اما هنوز کلمه‌ی «نمایشگاه» را نشنیده بودند و دقیقاً نمی‌دانستند که نمایشگاه چگونه جایی است. پس از این که هردو با هم مشاوره کردند، علیخان به آقا حسن می‌گوید که فردا او به نمایشگاه برود و اگر از آن‌ها پولی خواستند، بگوید که کارگر کنار خیابانند و پولی ندارند. آقا حسن یک روز بعد وقتی از نمایشگاه برمی‌گردد با حالت شگفت‌زده رو به علیخان می‌گوید: «علی‌آقا، آن‌جا خبرهایی بود. آقای درمبخش به بازدیدکنندگانش می‌گفت این کار را می‌بینی اگر تمام کره‌ی زمین را بگردی فقط همین یک دانه است. تو کره‌ی زمین لنگه ندارد. دوما کارهایی را که از ما هزار تومان خریده بود آن‌جا گذاشته بود دانه صدهزار

اشیای قدیمی را می‌فروخته، کار می‌کرده است. روزی او به برادرش می‌گوید که با صاحب‌کارش صحبت کند اگر اجازه داد او مجسمه‌هایش را برای فروش آنجا بگذارد. پس از موافقت صاحب گالری، عبداللہی ده-دوازده مجسمه را آن‌جا می‌برد. بعد از چند روز تمام مجسمه‌ها به فروش می‌رود. از این به بعد اسم‌ورسم او رفته‌رفته به تمام فرهنگ‌سراها و نگارخانه‌های تهران راه می‌یابد و نمایشگاه پشت نمایشگاه آثار او را به‌طور انفرادی و گروهی به نمایش می‌گذارند.

از آن به بعد دلان و تورستان زیادی کارهای او را خریده و به امریکا، فرانسه، اتریش، آلمان و امارات متحده عربی برده و به نمایش گذاشته و با قیمت بالایی فروخته‌اند. در این میان اما سود کارش به جیب دیگران رفته است. او به‌عنوان مهاجری که با کارت شناسایی موقت در ایران زندگی می‌کند، برخلاف کارهایش که جنبه‌ی بین‌المللی پیدا کرده، خودش امکان رشد محدودی داشته است. بعد از ۳۱ سال سرایداری هنوز به همان کارش ادامه داده و در زندگی روزمره‌اش پیش از این‌که مشغول مجسمه‌سازی باشد، درگیر سرایداری است. اما خرج و مخارج زندگی خود را از طریق ساخت و فروش مجسمه تهیه می‌کند. می‌گوید دیگر به گالری‌ها و نمایشگاه‌ها اعتمادی ندارد و کارهایش را خودش به‌طور عمده و تکی می‌فروشد.

تومان. کاری را که ده هزار خریده بوده آن‌جا گذاشته بود یک میلیون تومان.» یکی از بازدیدکنندگان این نمایشگاه محمدابراهیم جعفری، نقاش نوگرا، شاعر و عضو هیات علمی دانشگاه هنر تهران بود. او راجع به مجسمه‌ها و آفریننده‌ی آن گفته بود: «کسی که این کارها را ساخته دیوانه است. کارهایش دیوانه‌بازی، جنگلی و وحشی است. نمی‌شود از این‌جا بود که زندگی علیخان وارد مرحله جدیدی شد. مرحله‌ای که باعث و بانی آن حسن حاضر مشار و رمز هنرش، تخیل بی‌انتها و استعداد نهفته‌ی خودش بود.

سرایداری مقدم‌تر از مجسمه‌سازی

کارهای علیخان عبداللہی آن‌زمان در نمایشگاه کامبیز درمبخش توجه بسیاری را جلب می‌کند. از آن‌جایی که آقای درمبخش مجسمه‌ها را از بساط حسن حاضر مشار می‌خریده و همیشه با او طرف بوده، فکر می‌کند که آفریننده‌ی این کارها هم خود اوست. برای همین بعد از ختم نمایشگاه آقا حسن را پیش خودش می‌برد که کار کند. علیخان اما تنهایی در موتورخانه یا پشت بام ساختمان به کارش ادامه می‌دهد. روزها سرایداری می‌کند و و شب‌ها تا ساعت دوی بامداد مجسمه می‌سازد. در همان زمان یکی از برادرهایش در گالری خانمی که لوازم

او مثل میلیون‌ها هموطن دیگرش در آرزوی روزی است که افغانستان آرام بگیرد و او با خانواده‌اش به افغانستان برگردد و در بامیان بزرگ‌ترین گالری آثارش را راه بیندازد. اما می‌ترسد که مردم با او همان کاری را نکنند که طالبان با شهمامه و صلصال کردند.

کره‌ی زمین می‌دید و در درون آن گم می‌شد. حالا فکر می‌کند علت کشیده‌شدنش به سمت مجسمه‌سازی آن هم در دهه‌ی چهارم زندگی‌اش، تاثیر همان نقش و نگارهای دوران کودکی‌اش بوده که در ناخودآگاهش وجود داشته است. او در جریان ساخت مجسمه هیچ طرح و ایده‌ای از قبل ندارد و کارش به حال و هوای خودش ربط دارد: «کارهای من حسی است. این حس ناخودآگاه سراغ من می‌آید. تا دقیقه‌ی ۹۵ اصلاً نمی‌دانم که چه می‌شود. شبیه رفتن به یک سرزمین ناشناخته است که آدم از دیدن یکبارگی آن لذت می‌برد. کار من هم شبیه همین است در جریان کار اصلاً نمی‌دانم آخر آن چه می‌شود، وقتی تکمیل شد، لذت می‌برم. ولی در جریان کار حس‌های عجیب و غریب سراغم می‌آید. یکباره در دقیقه ۷۰ یا ۸۰ مسیر خود را عوض می‌کنم. فعلاً می‌توانم بگویم که در ۴۰ درصد خانه‌های ایرانی کارهای من وجود دارد.»

نام و آوازه‌ی آقای عبداللہی چندین سال است که در رسانه‌های ایران می‌چرخد. بیشتر رسانه‌های چاپی و آنلاین با او گفت‌وگو کرده و یا سرگذشتش را نوشته‌اند. همچنین او سوزهای چند مستندساز هم شده است، از جمله مستند محمد صفا با نام «میکل آنژ افغانستان» که دست‌کم پنج ماه تصویربرداری آن طول کشیده است.

او به‌رغم درخواست‌های زیادی که برای آموزش دریافت می‌کند، حالا فقط چهار-پنج هنرآموز ایرانی و افغان دارد و به علت نبود جا نمی‌تواند دوره‌های آموزشی برگزار کند. یکی از این هنرآموزان، زهرا رضایی همسرش هست. آن‌ها در دهه‌ی هفتاد خورشیدی با هم عروسی کرده‌اند و سه فرزند دارند. یک دختر و دو پسر. دخترش دانشجوی رشته‌ی طراحی و یک پسرش دانشجوی رشته‌ی کامپیوتر و ریاضی دانشگاه تهران است.

با این‌که زندگی و کار آقای عبداللہی حالا با ایران و ایرانی‌ها گره خورده اما ذهنش هنوز در افغانستان و ارزگان حضور دارد: «من همیشه به بچه‌هایم می‌گویم که فراموش نکنید که شما افغان هستید. این‌جا اگر صد سال دیگر هم باشیم آینده‌ای نداریم. خود من شب‌ها وقتی می‌خواهم هنوز در کنار جوی‌ها و غلفزارهای ارزگان و شارستان قدم می‌زنم. درست است که بیش از ۳۰ سال می‌شود در ایران زندگی می‌کنم ولی تمام این سال‌ها روح و روانم پیوسته در افغانستان بوده است.»

آقای عبداللہی از طریق رسانه‌ها پیوسته وضعیت افغانستان را دنبال می‌کند. می‌گوید وقتی ورزشکاران افغانستان مثل حسین‌بخش صفری و بازمحمد مبارز مسابقه در بیرون از کشور مسابقه می‌دهند، زن و مرد در یک خانه جمع می‌شوند و از خوشحالی از ته دل «جیغ» می‌کشند.

او مثل میلیون‌ها هموطن دیگرش در آرزوی روزی است که افغانستان آرام بگیرد و او با خانواده‌اش به افغانستان برگردد و در بامیان بزرگ‌ترین گالری آثارش را راه بیندازد. اما می‌ترسد که مردم با او همان کاری را نکنند که طالبان با شهمامه و صلصال کردند: «به بچه‌هایم می‌گویم دعا کنید افغانستان آرام شود. برگردیم به وطن خودمان. برویم در بامیان یک گالری بزینم که دنیا کیف کند. حالا می‌ترسم که افراطی‌ها مرا به جرم پت‌پرستی نکشند. ذهنیت مردم ما نسبت به هنر مجسمه‌سازی بسیار افراطی و بدوی است. من هر وقت عکس کارهایم را پست می‌کنم، می‌آیند و می‌گویند که تو بت‌پرست شده‌ای.»



آقای عبداللہی در فصل زمستان در موتورخانه ساختمان می‌رود و مجسمه می‌سازد.

گزارش

سناریوی افغانستان در صورت شکست نشست استانبول



عباس عارفی

پس از این که برگزاری نشست استانبول در زمان تعیین شده به تعویق افتاد، وزرای خارجه افغانستان، ترکیه و پاکستان در نشستی که روز جمعه (۳ ثور) در ترکیه داشتند، طی یک بیانیه مشترک بر ضرورت برقراری آتش بس و ایجاد فضای مناسب برای گفت‌وگوهای صلح تأکید کرده‌اند و از گروه طالبان خواسته‌اند تا به راه حل سیاسی از طریق مذاکرات صلح متعهد باشند.

نشست استانبول با حمایت ایالات متحده آمریکا و به میزبانی سازمان ملل متحد، قطر و ترکیه که قرار بود به تاریخ چهارم ثور برابر با ۲۴ اپریل پیرامون مذاکرات صلح افغانستان برگزار شود، با اعلام زمان خروج نیروهای بین‌المللی در ماه سپتامبر سال جاری و به دنبال آن امتناع رهبران گروه طالبان از اشتراک در این نشست، زمان برگزاری آن به بعد از ماه رمضان به تعویق افتاده و هنوز زمان دقیق آن مشخص نشده است. دورنمای نشست استانبول پیرامون پروسه صلح افغانستان با توجه به وضعیت موجود چندان روشن نیست و در صورت خروج نیروهای بین‌المللی به رهبری آمریکا از افغانستان، آینده پروسه صلح و گفت‌وگوهای بین‌افغانی نامعلوم و تا حدی ناامیدکننده به نظر می‌رسد. بنابراین پرسش‌های زیادی در رابطه به دورنمای نشست ترکیه در صورت موفقیت و یا عدم موفقیت آن مطرح است، از جمله این که در صورت عدم موفقیت نشست استانبول در زمینه مذاکرات صلح افغانستان، سناریوهای بعدی چه خواهد بود، ادامه مذاکرات صلح بین‌افغانی یا ادامه جنگ؟ در صورت ادامه جنگ چه سناریوهایی قابل پیش‌بینی است؟

سناریوی جنگ

عباس فراسو، پژوهشگر در دانشگاه دیکن استرالیا در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید که تأخیر در برگزاری نشست استانبول یا امتناع گروه طالبان از شرکت در این نشست، امیدواری‌ها نسبت به نتایج آن را به شدت تضعیف کرده است: «فعلاً این برداشت به وجود آمده است که طالبان به این سادگی‌ها به صورت جدی وارد گفت‌وگوهای صلح نخواهند شد. طالبان می‌خواهند امریکایی‌ها کاملاً از افغانستان خارج شوند تا پس از آن دست بالا در جنگ و همچنان در مذاکرات پیدا کنند.»

آقای فراسو می‌گوید که توقع از نشست استانبول، پایان دادن به جنگ و خشونت در افغانستان است، اما واقعیت این است که جنگ افغانستان ابعاد پیچیده‌ی منطقه‌ای و داخلی دارد و در یک نشست، همه‌ی این پیچیدگی‌ها بر طرف نمی‌شود. به گفته‌ی او نشست ترکیه سرنوشت‌ساز است و اگر این نشست با شکست مواجه شود، در نهایت منجر به ادامه‌ی جنگ در افغانستان می‌شود: «اگر نشست استانبول برگزار نشود، بن‌بست در مذاکرات صلح به وجود می‌آید و راه برای ادامه‌ی جنگ باقی می‌ماند و اگر نشست برگزار شود و نتیجه ندهد، باز هم طرفین به جنگ ادامه خواهند داد تا از خشونت به‌عنوان

آقای کوهستانی می‌گوید که اشتراک دولت افغانستان در نشست استانبول با طرح واحد در رابطه به مذاکرات صلح و آینده‌ی سیاسی افغانستان تا فعلاً متغی به نظر می‌رسد؛ انتخابات زودهنگام که رییس‌جمهور غنی بر آن پافشاری دارد، نه مورد قبول طالبان است و نه نیروهای سیاسی در داخل افغانستان.

ابزاری برای نمایش تشریفاتی و وسیله‌ای برای هژمونی بجوید. اما هنگامی که فیلسوف خواستار اصلاح اساسی سبک زندگی و شخصیت وی شد، شاه امتناع ورزید.

در پایان، رویارویی فیلسوف و شاه در سیسیل فضای تمثیلی غار در جمهوری را به خوبی به تصویر می‌کشد. دیونسیسوس دوم می‌خواهد از سایه‌ی سیاست به نور فلسفه صعود کند درحالی که افلاطون مسیر مخالف را طی می‌کند و از روشنایی فلسفه به تاریکی سیاست سقوط می‌کند. این که فقط بگوییم افلاطون در تبدیل کردن دیونسیسوس دوم به فیلسوف «ناکام» ماند گمراه‌کننده است. شاید منطقی‌تر این باشد که ملاحظه کنیم آن کس که ناکام می‌ماند خود شاه است، اما حتا این کار برداشت بیش از حد فردگرایانه از شکل‌گیری شخصیت را بر دوران باستان تحمیل می‌کند. شخصیت دیونسیسوس دوم خودساخته نبود. شخصیت وی را فقدان تحصیلات، سبک زندگی مجلل و طبیعت مزدورگونه اطرافیانش شکل داده بود. مقصدانستن افلاطون که نتوانست به صورت معجزه آسایی این تأثیرات را بر شخصیت وی خنثا کند، مانند این است که سایبان را مقصر بدانیم که چرا در باران به عنوان چتر کار نمی‌کند. آنچه برای افلاطون ضرور بود این نبود که به هدف سیاسی خود برسد، بلکه این بود که فلسفه واقعی را بورزد.

نامه هفتم همچنان به ما یادآوری می‌کند که فلسفه عمل است نه ابزار. همانطور که افلاطون نوشت، فلسفه «چیزی نیست که بتوان آنرا مانند سایر علوم به زبان آورد». بلکه چیزیست که «پس از مدتها دادوستد فکر و اندیشه بین معلم و شاگرد در جستجوی مشترک یک موضوع، ناگهان مانند نوری که هنگام آتش افروخته می‌شود، در روح زاییده شده و بلافاصله خودش را پرورش می‌دهد.» عمل فلسفی واقعی به جای تلاش رقابتی و انزوا که معرف زندگی آکادمیک معاصر است، نیازمند دوستی و همکاری است که وقف پیشرفت و شکوفایی کل جامعه باشد.

از نظر افلاطون، احتمالاً قوی‌ترین دلیل که چرا فلاسفه باید پادشاهان باشند این است که بتوانند بر ماهیت آموزش تأثیر بگذارند. برخی از پیشنهادها افلاطون برای چگونگی انجام این کار در جمهوری قناعت بخش نیست (برای مثال ایده مقاوم بار آوردن اطفال از طریق محروم کردن آن‌ها از دانستن این که والدین‌شان چه کسانی هستند). اما تعلیم و تربیت به عنوان تزکیه روح و عمل فلسفی که مستلزم کنار گذاشتن میل به قدرت فردگرایانه به نفع جستن عدالت همگانی است، همچنان ضروری به نظر می‌رسد.

فردریش نیچه در «زایش تراژدی» گفت که دانش، عمل را می‌کشد و عمل به هاله‌های توهم نیاز دارد. ما هنوز هم زیر سایه شوم این باور زندگی می‌کنیم. عصر فردگرایی و تخصص‌گرایی رادیکال ما باعث تقسیم دانش و قدرت شده است و دانشگاهیان یکی را دنبال می‌کنند و سیاستمداران دیگری را اعمال. نامه هفتم افلاطون با یادآوری روابط نزدیک و ضروری بین فلسفه و سیاست، اجتماع و عدالت، دوستی و دانش، دیدگاه متفاوتی ارائه می‌دهد. مهم‌تر از همه به ما می‌آموزد که عمل به دانش نیاز دارد و دانش به عمل. دانش نه «توهم» است نه صرفاً ابزاری برای رسیدن به قدرت، بلکه عمل جمعی است که در جوامع فلسفه‌دوست به بهترین وجه پرورش می‌یابد. عصر دموکراسی نیاز ندارد به صورت خودکار آرمان فیلسوف-شاه افلاطون را کنار بگذارد. ما باید آن را گسترش دهیم تا زمانی که دوستی و آموزش هرچقدر ممکن است افراد بیشتری را به شهروندان-فیلسوف تبدیل کند تا با حسن نیت و بدون حسادت حکم شهرشان را برانند.

نیک رومئو، روزنامه‌نگار و نویسنده است. او در یونان زندگی و در آکادمی اراسموس فلسفه تدریس می‌کند.

ایان توکسیری، دانش‌جوی کارشناسی ارشد ادبیات کلاسیک دانشگاه استنفورد است. حوزه پژوهش وی شعر و فلسفه باستان را در بر می‌گیرد.

اما از نظر افلاطون قدرت وسیله‌ای بالقوه برای خیر و الاثر بود، نه هدفی برای به دست آوردن. همان‌گونه که «تمثیل غار» در رساله جمهوری روشن می‌سازد، فلاسفه مجذوب زیبایی اشکال می‌شوند: آن‌ها می‌خواهند در قلمرو ماندگاری و هستی‌ای نابی که در جهان بالا می‌یابند باقی بمانند. آن‌ها باید وادار به بازگشت به تاریکی غار شوند نه به این دلیل که لذت فردی آن‌ها را به حداکثر می‌رساند بلکه به این دلیل که شهر را به عنوان کل ارتقا می‌دهد. با این حال درباریان سیراکوز پیروز میدان شدند. چهار ماه پس از رسیدن افلاطون به جزیره، دیونسیسوس دوم دیون را به جرم توطئه علیه حاکم تبعید کرد. دیونسیسوس دوم روزهایی را که سعی در به دست آوردن تحسین افلاطون داشت کاهش داد اما نتوانست میل به فلسفه را پرورش دهد. به گفته خود افلاطون: «همه این‌ها را تحمل کردم و به هدف اصلی که برایش آمده بودم پایبند ماندم به این امید که او شاید به نوعی میل به زندگی فلسفی پیدا کند. اما هرگز نتوانستم بر مقاومت او غلبه کنم.» فیلسوف به تاریکی سقوط کرده بود اما حاکم نمی‌خواست روشنایی را ببیند.

آخرین بار که افلاطون به سیسیل سفر کرد، ۷۰ سال عمر داشت. بار دیگر دانش فلسفه او را مجبور به عمل فلسفی کرده بود. فرصت کمک به دیون که توسط دیونسیسوس دوم تبعید شده بود، برایش فراهم شده بود و هنوز هم شاید امیدوار بود که شاه را با فلسفه پیوند دهد. این بار «آرشیئاس تارنوم»، فیلسوفی در جنوب ایتالیا، نیز از وی دعوت به سفر به سیسیل کرده بود. پس از عمری مشکلات در سیراکوز، تعجب دارد که چرا افلاطون بار دیگر عزم سفر به سیسیل کرد و با شهامت تن به دریا زد و خطر افتادن به چنگ دزدان دریایی را به جان خرید و جایگاهش را در دربار دیونسیسوس دوم دوباره تصاحب کرد. رایحه‌ی فلسفه البته به دماغ پادشاه خوش آمده بود و او حتا اثری درباره ایده‌های فلسفی افلاطون نوشت (که البته پر از سوتفاهم و سرقت ادبی بود).

افلاطون برای این که ببیند دیونسیسوس دوم سرانجام آماده‌ی فلسفه‌ورزی هست یا خیر، با تأکید بر دشواری ریشه‌ای و تغییر سبک زندگی که فلسفه واقعی از آدم می‌خواهد، پادشاه را به امتحان گرفت. او می‌نویسد: «کسانی که فیلسوفان واقعی نیستند و فقط فیلسوف‌نما اند (همچون مردانی که برنزه نیستند و برنزی‌شان را مدیون نور خورشیدند) وقتی می‌بینند که فلسفه مستلزم ریاضت و یادگیری است و باید کار کنند و زندگی روزمره‌شان را نظم بخشند، نتیجه می‌گیرند که این کار بیش از حد دشوار است؛ و آری، حق با آن‌هاست زیرا برای این کار مجهز نیستند.»

دیونسیسوس دوم در آزمون افلاطون ناکام ماند زیرا او فلسفه را به عنوان ابزاری برای کسب قدرت بیشتر می‌خواست. آزمون افلاطون در ایمان پایدار او به عمل فلسفی نه استفاده از فلسفه به عنوان ابزار، استوار است. این کار مستلزم ترک لذت و قدرت است. افلاطون این کار را چنین توصیف می‌کند: «تنها پس از آن که نام‌ها، تعاریف و ادراکات تجسمی بر یک دیگر ساییده شده و مورد آزمایش قرار گرفتند، شاگرد و معلم با حسن نیت و بدون حسادت پرسش‌ها را مطرح می‌کنند و به آن‌ها پاسخ می‌دهند و فقط در این صورت، یعنی وقتی عقل و دانش غایت تلاش انسانی باشد، می‌توانند ماهیت هر شیئی را درک کنند.»

باز هم تقابل افلاطون و هابز آموزنده است. درحالی که هابز بدخواهی و حسادت را ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر طبیعت انسانی می‌داند، افلاطون ریشه‌کن کردن آن‌ها را پیش‌شرطی برای فلسفه‌ورزی و در نتیجه شکوفایی انسان می‌داند.

این‌گونه بود که دیونسیسوس دوم هرگز به فیلسوف-شاه تبدیل نشد و دیون در نهایت در درگیری‌های خونین داخلی که سرانجام سیراکوز را به کام خود فرو برد، از بین رفت. میل دیونسیسوس به ابزاری کردن فلسفه وی را برآن داشت که دانش فلسفی را به عنوان

ابزار چانه‌زنی استفاده کنند. بنابراین نتیجه‌ی کلی ادامه‌ی جنگ در افغانستان است.»

عمر شریفی، پژوهشگر و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با اطلاعات روز، معتقد است که اگر طالبان حتا در نشست استانبول اشتراک کنند و در نهایت روی توافق‌نامه صلح هم موافقت کنند، باز هم در سطح منطقه و جامعه بین‌المللی دیدگاه مشترک در مورد نحوه برخورد با گروه طالبان وجود ندارد. از نظر آقای شریفی همه‌چیز بستگی به چگونگی رویدادهای پیش رو دارد: «طالبان و پاکستانی‌ها هنوز امیدوارند تا در ماه‌های آینده و حتا سال بعدی مناطق تحت نفوذ خود را گسترش دهند و اگر ممکن شد در سراسر کشور نفوذ و سلطه خود را تقویت کنند. در صورتی که که پیشرفت احتمالی طالبان پاکستان از جنگ یا صلح و یا مخلوط از هر دو متوقف شود، بعداً می‌توان در مورد صلح فکر کرد. بنابراین فعلاً یگانه موضوع مطرح‌گرفته‌ی نظامی است.»

جاوید کوهستانی، آگاه امور نظامی در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید که تمام تلاش‌های جامعه‌ی جهانی و نیروهای ملی افغانستان این است که یک چارچوب معین را برای آینده‌ی افغانستان ترسیم کنند، اما در صورت ادامه‌ی لجاجت‌ها و تلاش‌هایی که از سوی افراد مشخص در حکومت وجود دارد تا نشست ترکیه را به گروهان بگیرند، سناریوی جنگ برجسته تر است: «بدون شک با همه‌ی تلاش‌های کشورهای مختلف و نیروهای ملی در داخل، افغانستان به‌سوی جنگ داخلی بسیار شدید به پیش خواهد رفت؛ یعنی طالبان جنگ‌شان متوقف نخواهند شد و عملیات‌شان را تشدید خواهند کرد که ممکن مناطق جنوبی زودتر از مناطق شمالی و مرکزی از کنترل نیروهای دولتی خارج شوند که در این صورت آرایش جدید شکل خواهد گرفت.»

آقای کوهستانی می‌گوید که اشتراک دولت افغانستان در نشست استانبول با طرح واحد در رابطه به مذاکرات صلح و آینده‌ی سیاسی افغانستان تا فعلاً منفی به نظر می‌رسد؛ انتخابات زودهنگام که رییس‌جمهور غنی بر آن پافشاری دارد، نه مورد قبول طالبان است و نه نیروهای سیاسی در داخل افغانستان. بن‌بست کلان در وضعیت کنونی حاکمیت موجود است که بیشتر تک‌ساختاری و براساس منافع قومی و یک حلقه کوچک شکل گرفته که برای اعضای شورای عالی مصالحه نیز قابل قبول نیست: «اگر در نشست استانبول نیز با نگاه قومی برخورد شود، بدون شک این یک بن‌بست کلان در پیش رو است و با خروج نیروهای بین‌المللی وضعیت در افغانستان به‌سوی جنگ داخلی پیش خواهد رفت. آنچه ما از ظرفیت‌ها می‌دانیم، توان نیروهای امنیتی در زمینه‌ی دفاع از تمامی کلان‌شهرهای افغانستان بسیار محدود است. بنابراین وضعیت جدید شکل خواهد گرفت که در آن صورت ممکن حوزه‌های مقاومت در برابر طالبان شکل بگیرد که در آن حکومت افغانستان نقش نخواهد داشت.»

از نظر بسیاری نشست استانبول به‌عنوان یک فرصت در زمینه‌ی جنگ و صلح افغانستان در حالی مورد توجه بازیگران داخلی و خارجی جنگ و صلح افغانستان قرار گرفته که صف اشتراک‌کنندگان از آدرس جمهوری اسلامی افغانستان به‌شدت شکننده است و دورنمای این نشست نیز روشن نیست. با آن که نهادهای امنیتی افغانستان می‌گویند که توانایی جنگ علیه طالبان و حفظ وضعیت موجود را دارند، اما نگرانی در مورد سناریوهای پس از نشست استانبول، آن‌هم در صورتی که این نشست به بن‌بست برود یا بی‌نتیجه بماند، جدی است. و البته جدی‌ترین نگرانی در مورد شکست نشست استانبول شروع جنگ داخلی و فروپاشی نظم سیاسی موجود است که ممکن افغانستان را وارد مرحله‌ی تازه جنگ و منازعه سازد.

انتخابات پارلمانی آلبانی؛ تلاش اپوزیسیون برای بازگشت به قدرت پس از هشت سال ناکامی

وی که یک اقتصاددان برجسته در کشورش محسوب می‌شود از منتقدان شرایط کنونی در آلبانی است و معتقد است که این کشور شرایط سخت و نابسامانی را پشت سر می‌گذارد. بر اساس آخرین نظرسنجی‌ها، سوسیالیست‌های حاکم تحت ریاست نخست‌وزیر کنونی آلبانی با بخت ۴۳ درصدی برتری نسبی به دموکرات‌های اپوزیسیون دارند که در نهایت دارد احتمال دارد ۳۷ درصد کرسی‌های پارلمان را از آن خود کنند. این انتخابات به جهت نزدیک بودن و نیز حساسیت بالا در میان هواداران احزاب رقیب نیز تنش‌های را رقم زده است. به گزارش رویترز درگیری روز چهارشنبه گذشته میان هواداران دو حزب سوسیالیست و دموکرات به کشته و مجروح شدن پنج نفر انجامید. نتایج نهایی دهمین انتخابات پارلمانی در آلبانی پس از سقوط نظام کمونیستی حاکم بر این کشور در سال ۱۹۹۱ روز سه‌شنبه آینده اعلام خواهد شد.

پارلمان را از میان ۱۸۴۱ نامزد معرفی شده از سوی سیزده حزب یا ائتلاف سیاسی انتخاب کنند. ادی راما، نخست‌وزیر و رهبر حزب حاکم سوسیالیست به دنبال پیروزی حزب تحت ریاست خود و به تبع آن به دست گرفتن سکان هدایت دولت برای سومین دوره متوالی است. آقای راما معتقد است که حزب سوسیالیست پیروز اصلی انتخابات است و دست کم بین هفتاد و چهار تا هفتاد و هشت کرسی پارلمان را از آن خود خواهد کرد. از سوی دیگر حزب دموکرات به رهبری لیولریم باشا سخت در تلاش است تا پس از دو دوره ناکامی و هشت سال دوری از قدرت در این انتخابات بر رقیب سوسیالیست خود پیروز شود و دولت تشکیل دهد. ایلیر متا، رییس‌جمهوری آلبانی هم صبح روز یکشنبه رای خود را به صندوق انداخت. متا که از اعضای سابق حزب سوسیالیست است به اعتقاد کارشناسان می‌تواند یکی از رقبای سر سخت نخست‌وزیر باشد.

تیرانا سال ۲۰۱۴ موفق به کسب عنوان نامزدی برای پیوستن به اتحادیه اروپا شد اما مشکلات موجود بر سر راه گسترش اتحادیه و نیز انجام نشدن اصلاحات مورد تأکید بروکسل در آلبانی روند الحاق این کشور به اتحادیه اروپا را با بن بست مواجه کرد. ادی راما، نخست‌وزیر آلبانی به تازگی در گفتگو با یورونیوز تأکید کرد که کشورش به درخواست‌های کمیسیون اروپا برای عضویت در اتحادیه جامه عمل پوشانده و مقصر اصلی محقق نشدن مسئله الحاق طی هشت سال گذشته کمیسیون و شورای اتحادیه اروپا هستند. جمعیت ساکن در آلبانی ۲ میلیون و هشتصد هزار نفر است اما به دلیل پراکنده بودن شمار زیادی از اتباع این کشور در نقاط مختلف جهان بیش از ۳ میلیون و ششصد هزار آلبانیایی روز یکشنبه از حق مشارکت در انتخابات برخوردارند. مردم آلبانی از هفت صبح روز یکشنبه ۲۵ اپریل به پای صندوق‌های رای رفته‌اند و قرار است ۱۴۰ نماینده جدید

اطلاعات روز: شهروندان آلبانی روز یکشنبه برای تعیین نمایندگان جدید پارلمان و نیز تشکیل دولتی تازه به پای صندوق‌های رای رفتند. به گزارش یورونیوز فارسی، انتخابات پارلمانی آلبانی که نتیجه آن توسط جامعه بین‌المللی از نزدیک دنبال می‌شود برای تحقق رویای اروپایی این کشور کوچک حوزه بالکان بسیار حیاتی قلمداد شده است. این انتخابات از سوی دیگر صحنه رقابتی نزدیک و تنگاتنگ میان سوسیالیست‌های حاکم و احزاب اپوزیسیون خواهد بود؛ انتخاباتی تعیین کننده که برای رای‌دهندگان در یکی از فقیرترین کشورهای اروپایی درگیر فساد بسیار تعیین کننده قلمداد شده است. یک شهروند ۶۴ ساله آلبانیایی که صبح اول وقت برای رای دادن به پای صندوقی در تیرانا آمده بود به رویترز گفت: «من با امید به ایجاد تغییرات اساسی در همه بخش‌های کشور و همچنین برای اینکه آلبانی به اتحادیه اروپا ملحق شود، در انتخابات شرکت کردم.»

آتش‌سوزی در بیمارستان بغداد؛ ۸۲ کشته و سه روز عزای عمومی

قرار گرفته اند که به فشارهای ناشی از جنگ طولانی، عدم رسیدگی و فساد می‌افزاید. آمار ابتلا به کووید از ماه فبروری به شدت در عراق درحال افزایش بوده و وزارت بهداشت در مجموع یک میلیون و ۲۵ هزار و ۲۸۸ مورد ابتلا و ۱۵ هزار و ۲۱۷ مورد مرگ را از زمان شروع همه گیری ثبت کرده است. این کشور عملیات واکسیناسیون را ماه پیش شروع کرد و تاکنون ۶۵۰ هزار دُز واکسن - عمدتاً از طریق برنامه جهانی توزیع واکسن، کووکس - دریافت کرده است.

یک منبع مطلع در این بیمارستان به خبرگزاری فرانسه گفت که حدود «۳۰ بیمار در واحد مراقبت های ویژه بودند». زخمی ها و بیمارانی که آسیبی ندیده اند با آمبولانس به سایر بیمارستان های مجاور منتقل شده اند. سازمان دفاع غیرنظامی عراق گفت که آتش سوزی در ساعات نخست روز یکشنبه تحت کنترل در آمد. کمیسیون حقوق بشر دولت در بیانیه ای گفت که این حادثه «جنایتی علیه بیماران خسته از کووید-۱۹ است.» بیمارستان های عراق در همه گیری کرونا در تنگنا

هنگام فرار مردم از ساختمان بیمارستان نشان می دهد. مصطفی کاظمی نخست‌وزیر عراق خواستار تحقیقات فوری در مورد علل این «حادثه دلخراش» شد. ژنرال کاظم بوهان سرپرست سازمان دفاع غیرنظامی به رسانه های دولتی گفت که آتش سوزی در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان در طبقه ای که «مخصوص احیای ریوی» است روی داد. خبرگزاری عراق به نقل از او گزارش داد که خدمه امداد اضطراری ۹۰ نفر از ۱۲۰ بیمار و بستگان آنها را نجات داده اند.

اطلاعات روز: در پی آتش‌سوزی بیمارستان بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در بغداد و کشته شدن دست کم ۸۲ نفر سه روز عزای عمومی در این کشور اعلام شده است. به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، ده ها نفر دیگر هم در این حادثه که شنبه شب در بیمارستان ابن خطیب روی داد مجروح شده اند. گزارش ها حاکیست که آتش‌سوزی ناشی از انفجار یک کپسول اکسیجن بوده است. تصاویر ویدئویی در شبکه های اجتماعی ماموران آتش نشانی را در حال تلاش برای مهار شعله های آتش

وزیر خارجه ترکیه به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارمنی از سوی آمریکا را «خیانت‌آمیز» خواند

امروزه کشور ارمنستان است، آغاز شد. به‌رغم آن‌که کاربرد این مفهوم تاریخی هیچ پیامد حقوقی و قانونی ندارد، موجب خشم مقامات ترکیه شده است. حکومت ترکیه همواره با کاربرد مفهوم «نسل‌کشی» برای کشتار ارمنی که از سوی ده‌ها کشور دیگر از جمله فرانسه و روسیه نیز به رسمیت شناخته شده، مخالف بوده و مدعی است که هر دو طرف در طول جنگ جنایت و کشتار کرده‌اند. کاخ سفید تأکید کرده که قصد آمریکا از به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارمنی متهم کردن دیگران نیست، بلکه می‌خواهد مطمئن شود چنین رخدادی هرگز تکرار نخواهد شد.

ندارند اما به مناسبات لطمه خواهند زد. اگر ایالات متحده قصد دارد به مناسباتش با ترکیه لطمه بزند تصمیم با خود آن‌هاست.» گمانه‌زنی‌ها حاکی است که چنین اقدامی مناسبات آمریکا با متحد خود در ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) یعنی حکومت ترکیه را دچار تنش بیشتری کند. با این حال، خبرگزاری رویترز به نقل از مقام‌های آمریکایی نوشت که جو بایدن مایل به همکاری با رجب طیب اردوغان است و از همین رو، به همتای ترک خود پیشنهاد داده تا در نشست آینده ناتو با یکدیگر دیدار کنند. کشتار ارمنی از سال ۱۹۱۵ و هم‌زمان با جنگ نیروهای امپراطوری عثمانی با امپراطوری روسیه در مناطقی که

آغاز کشتار ارمنی به دست عوامل امپراتوری عثمانی این حادثه را به‌طور رسمی «نسل‌کشی» نامید. آقای بایدن نخستین رییس‌جمهوری تاریخ آمریکا است که به‌طور رسمی این کشتار را «نسل‌کشی» اعلام می‌کند. مولود چاووش اوغلو، وزیر خارجه ترکیه، در واکنش به این اقدام آمریکا در صفحه توئیترش نوشت: «فرصت‌طلبی سیاسی بزرگ‌ترین خیانت به صلح و عدالت است. ما این اظهارات را که مبتنی بر پوپولیسم صرف است، تماماً رد می‌کنیم.» او افزود: «کلمات قادر به تغییر بازنویسی تاریخ نیستند.» وزیر خارجه ترکیه پیشتر هم گفته بود: «اظهارنظرهایی که از نظر حقوقی و قانونی الزام‌آور نیستند هیچ فایده‌ای

اطلاعات روز: وزارت خارجه ترکیه، روز شنبه چهارم ثور، در بیانیه‌ای اعلام کرد که این کشور به رسمیت شناختن کشتار ارمنی به عنوان «نسل‌کشی» از سوی رییس‌جمهوری آمریکا را به‌شدیدترین نحو ممکن رد و تقبیح می‌کند. به گزارش رادیو فردا، این بیانیه می‌افزاید که چنین اقدامی از سوی جو بایدن به گشودن «زخمی عمیق» منجر می‌شود که تضعیف‌کننده «اعتماد و دوستی متقابل» خواهد بود. ترکیه خواستار اصلاح این «اشتباه فاحش» از سوی رییس‌جمهوری ایالات متحده شده است. جو بایدن، رییس‌جمهوری آمریکا، روز شنبه در سالگرد



دکتره‌نی، اوبولگولوواو مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

دفاعناستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

پروژه زراعت و مالداري به اشتراك مردم



«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/CLAP-IC/HRT17/09012021/NCB

پروژه زراعت و مالداري به اشتراك مردم CLAP وزارت زراعت، آبیاری و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروژه داوطلبی اعمار شبکه آبیاری نوآباد قریه نوآباد ولسوالی زنده‌جان ولایت هرات را مطابق به احجام کاری ارایه شده درشرطنامه اشتراک نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش‌دیسک (حافظه) بطور رایگان از امریت تدارکات پروژه CLAP و با از وب‌سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) و همچنان معلومات متذکره را می‌توانند از وب‌سایت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري (www.mail.gov.af) و وب‌سایت اکبر (www.acbar.org) بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۷/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر به امریت تدارکات پروژه زراعت و مالداري به اشتراك مردم، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبیاری و مالداري تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انبترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد.

جلسه آفرگشایی پروژه متذکره بتاریخ ۱۷/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه CLAP واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبیاری و مالداري دایر می‌گردد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) دوصد و پنجاه‌هزار افغانی می‌باشد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: الباس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ایودر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهربار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د کورنۍ، اوبولګولو او مالدارۍ وزارت
د وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د کورنۍ، اوبولګولو او مالدارۍ وزارت
د وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم

«دعوت به داوطلبی روش باز داخلي»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/CLAP-IC/KBL28/03012021/NCB

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی اعمار شبکه آبياري تيزين خاص قریه تيزين ولسوالۍ سروبی ولایت کابل را مطابق به احجام کاری ارایه شده در شرطنامه اشتراک نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دیسک (حافظه) بطور رایگان از امریت تدارکات پروژه CLAP و یا از وبسایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) و همچنان معلومات متذکره را می‌توانند از وبسایت وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ (www.mail.gov.af) و وبسایت اکبر (www.acbar.org) بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۰/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر به امریت تدارکات پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد.

جلسه آفرگشایی پروژه متذکره بتاريخ ۱۰/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه CLAP واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ دایر می‌گردد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) پنج صد هزار افغانی می‌باشد.

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د کورنۍ، اوبولګولو او مالدارۍ وزارت
د وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د کورنۍ، اوبولګولو او مالدارۍ وزارت
د وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم

«دعوت به داوطلبی روش باز داخلي»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/CLAP-IC/NGR41/05012021/NCB

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی اعمار سربند کوچک تنظیم آب تورراغه قریه باره کاله ولسوالۍ رودات ولایت ننگرهار را مطابق به احجام کاری ارایه شده در شرطنامه اشتراک نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دیسک (حافظه) بطور رایگان از امریت تدارکات پروژه CLAP و یا از وبسایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) و همچنان معلومات متذکره را می‌توانند از وبسایت وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ (www.mail.gov.af) و وبسایت اکبر (www.acbar.org) بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۹/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر به امریت تدارکات پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد.

جلسه آفرگشایی پروژه متذکره بتاريخ ۱۹/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه CLAP واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ دایر می‌گردد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰) هشتاد هزار افغانی می‌باشد.

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د کورنۍ، اوبولګولو او مالدارۍ وزارت
د وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د کورنۍ، اوبولګولو او مالدارۍ وزارت
د وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم

«دعوت به داوطلبی روش باز داخلي»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/CLAP-IC/BGL10/14012021/NCB

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی اعمار شبکه آبياري ده پایان قریه ده پایان ولسوالۍ دهسبز خاص ولایت بغلان را مطابق به احجام کاری ارایه شده در شرطنامه اشتراک نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دیسک (حافظه) بطور رایگان از امریت تدارکات پروژه CLAP و یا از وبسایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) و همچنان معلومات متذکره را می‌توانند از وبسایت وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ (www.mail.gov.af) و وبسایت اکبر (www.acbar.org) بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۲/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر به امریت تدارکات پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد.

جلسه آفرگشایی پروژه متذکره بتاريخ ۱۲/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه CLAP واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ دایر می‌گردد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰) شصت هزار افغانی می‌باشد.

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د کورنۍ، اوبولګولو او مالدارۍ وزارت
د وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د کورنۍ، اوبولګولو او مالدارۍ وزارت
د وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم

«دعوت به داوطلبی روش باز داخلي»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/CLAP-IC/KBL25/02012021/NCB

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی اعمار شبکه آبياري جوی چشمه دهسبز خاص قریه دهسبز خاص ولسوالۍ دهسبز ولایت کابل را مطابق به احجام کاری ارایه شده در شرطنامه اشتراک نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دیسک (حافظه) بطور رایگان از امریت تدارکات پروژه CLAP و یا از وبسایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) و همچنان معلومات متذکره را می‌توانند از وبسایت وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ (www.mail.gov.af) و وبسایت اکبر (www.acbar.org) بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۶/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر به امریت تدارکات پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد.

جلسه آفرگشایی پروژه متذکره بتاريخ ۱۶/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه CLAP واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ دایر می‌گردد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰) چهار صد هزار افغانی می‌باشد.

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د کورنۍ، اوبولګولو او مالدارۍ وزارت
د وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د کورنۍ، اوبولګولو او مالدارۍ وزارت
د وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم

«دعوت به داوطلبی روش باز داخلي»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/CLAP-IC/PRN32/12012021/NCB

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی اعمار شبکه آبياري بند تنظیم آب چنارک قریه چنارک مرکز ولایت پروان را مطابق به احجام کاری ارایه شده در شرطنامه اشتراک نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دیسک (حافظه) بطور رایگان از امریت تدارکات پروژه CLAP و یا از وبسایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) و همچنان معلومات متذکره را می‌توانند از وبسایت وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ (www.mail.gov.af) و وبسایت اکبر (www.acbar.org) بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۵/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر به امریت تدارکات پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد.

جلسه آفرگشایی پروژه متذکره بتاريخ ۱۵/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه CLAP واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ دایر می‌گردد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰) هشتاد هزار افغانی می‌باشد.

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د کورنۍ، اوبولګولو او مالدارۍ وزارت
د وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د کورنۍ، اوبولګولو او مالدارۍ وزارت
د وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم

«دعوت به داوطلبی روش باز داخلي»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/CLAP-IC/NGR40/04012021/NCB

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی اعمار بندهای کوچک تنظیم آب یاره گی قریه یاره گی ولسوالۍ گوشته ولایت ننگرهار را مطابق به احجام کاری ارایه شده در شرطنامه اشتراک نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دیسک (حافظه) بطور رایگان از امریت تدارکات پروژه CLAP و یا از وبسایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) و همچنان معلومات متذکره را می‌توانند از وبسایت وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ (www.mail.gov.af) و وبسایت اکبر (www.acbar.org) بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۱/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر به امریت تدارکات پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد.

جلسه آفرگشایی پروژه متذکره بتاريخ ۱۱/۰۳/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه CLAP واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ دایر می‌گردد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) پنجاه هزار افغانی می‌باشد.

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د کورنۍ، اوبولګولو او مالدارۍ وزارت
د وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ

معینیت مالی واداری
ریاست تهیه و تدارکات
امریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود که وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ در نظر دارد تا پروژه تدارک ۹ قلم خوراکه حیوانی مورد ضرورت امریت فارم مالدارۍ بینی حصار ریاست خدمات مالدارۍ تحت داوطلبی باز داخلی با کد نمبر MAIL/PD/NCB/G130/1400 را به شرکت محترم خدمات لوژستیک کابل گرین هاوس دارنده جواز نمبر (۳۳۵۸۴) به قیمت مجموعی مبلغ (۶,۴۰۶,۶۶۷) شش میلیون و چهار صد و شش هزار و شش صد و هفت افغانی اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ واقع کارتهسخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل معیاد فوق الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

حساب جاری زنان

عزیزی بانک سرت دارد که حساب جاری زنان را به شما معرفی می کند که محصولی اختصاصی برای جامعه محترم و شریف زنان افغانستان میباشد. محصول منگور حساب جاری به پول مرد می افتد و دالر امریکایی و دارای هزینه تلفظی در کثرتهاست. متن ها، خود پردها، صرفی و منسرت ثبت کارت ها و همچنان خدمات رایگان پیو گرفته و بدون هزینه نگاهداشت حساب میباشد. این حساب با حد اقل 500 افغانی و 50 دالر امریکایی افتتاح میگردد که نازلترین نرخ برای بانکهای بانوان میباشد.

www.azizibank.af 1515

داستان مردی که از درون صندوق چوبی سفر کرد

بیش از نیم قرن بعد در جستجوی دوستانی است که به او کمک کردند

به خانه اش در ولز بفرستند، همان جایی که او تمام این مسیر را برای رفتن به آن، طی کرده بود.

رابسون گفت: «پان ام مرا با پرواز درجه یک به خانه رساند و غذایی خوب در هواپیما خوردم. والدینم هم از دیدن من بسیار خوشحال شده بودند و هم به خاطر کاری که کرده بودم، خیلی از دست من عصبانی بودند. بعد سروکله‌ی مطبوعات پیدا شد، به همین خاطر یک هفته از خانه خارج نشدم.» بنابر گزارش‌های خبری آن زمان، او هنگام ورود به لندن هنوز ضعیف بود و می‌لنگید.

رابسون هر چند جزئیات زندگی خود را فاش نکرد، اما گفت که بعد از خوابیدن هیاهوی رسانه‌ها، وی تشکیل خانواده داد و زندگی شاد و آرامی در انگلیس داشت. وی در ۶۰ سالگی بازنشسته شد، اما سه سال پیش پس از این که یک شرکت فیلم‌سازی برای ساخت یک فیلم به او مراجعه کرد، تصمیم گرفت کتاب خود را بنویسد.

رابسون امیدوار است با کانون توجه قرار گرفتن دوباره‌ی داستان، موفق به دیدار مجدد دو دوست ایرلندی‌اش شود. وی گفت: «این کار از نظر من یک شوخی احمقانه دوران نوجوانی بود، اشتباهی که نباید هرگز اتفاق می‌افتاد. هیچ تمایلی ندارم که به استرالیا بازگردم، اما از آن زمان بارها به سراسر جهان سفر کرده‌ام.»

وقتی از او سوال شد که اکنون کدام وسیله‌ی سفر را ترجیح می‌دهد، خندید و گفت: «بگذارید به گفتن همین بسنده کنم که هرگز وارد هیچ صندوق دیگری نخواهم شد.»

در آخرین لحظه، رابسون تصمیم گرفت کتاب آواز بیتلز را هم با خود بردارد. وی گفت که جان و پل در صندوقچه را با میخ محکم کردند و روی آن را برچسبی زدند: «شکندنده! سمت بالا! با احتیاط حمل شود!»

وی گفت: «اما، البته هیچ‌کدام از آن‌ها رعایت نشد.»

عضلاتم را از دست داده بودم. نور چراغ قوه از شکاف‌های جعبه عبور کرد و دو کارگر میدان هوایی نور را دیدند. آن موقع بود که فهمیدم در ایالات متحده هستم، زیرا آن‌ها به لهجه‌ی امریکایی حرف می‌زدند.» رابسون به خاطر می‌آورد که یکی از کارگران از سوراخی داخل را نگاه کرد و فریاد زد: «یک جسد این‌جاست!» وی گفت: «من در زندگی‌ام هرگز ندیده بودم کسی این‌طور از جایش پریده باشد.» مأموران اف‌بی‌آی و سی‌اف‌اخوانده شدند، و آن وقت بود که آن‌ها جعبه را باز کردند و مرا بیرون آوردند.»

رابسون، که به دلیل ضعف و کم‌آبی شدید بدنش نمی‌توانست راه برود، به یکی از شفاخانه‌های لس‌آنجلس منتقل شد و پنج روز بستری ماند. دکتران به او گفتند که اگر او در داخل جعبه می‌ماند تا به لندن برسد، جان سالم به در نمی‌برد.

به گفته وی، رابسون را می‌توانستند به ورود غیرقانونی به ایالات متحده متهم کنند، اما مقامات در عوض تصمیم گرفتند که وی را

به دوستانم گفتم: خوب، آن‌ها می‌توانند ما را ببرند.»

او گفت که دوستانش خندیدند، اما رابسون مدام به این موضوع فکر می‌کرد و آن شب نتوانست بخوابد. وی گفت: «من فکر کردم این نقشه باید امکان‌پذیر باشد، اگر این شرکت کارش جابه‌جایی است، چرا مرا جابه‌جا نکنند؟»

روز بعد، او طرح نقشه احمقانه خود را ریخت: یک صندوق چوبی می‌خرید، و دوستانش او را به عنوان بار، با پرواز مستقیم به لندن می‌فرستادند.

رابسون گفت: «در ابتدا، آن‌ها قبول نمی‌کردند، می‌گفتند که خیلی خطرناک است، اما من خیلی زود متقاعدشان کردم.» او گفت، در یکی از روزهای ماه می، وارد صندوقی به ابعاد ۹۰ در ۸۰ در ۱۰۰ سانتی‌متر شد که ۵ پوند خریداری کرده بود. او کنار چمدان خود نشست و چراغ قوه‌ای را به میخی در داخل جعبه آویزان کرد.

رابسون گفت، برای آدمی با قد ۱/۵ تا ۲ متر و ۵۵ کیلوگرم وزن کاملاً مناسب بود. وی گفت: «من یک بالش، یک چکش در صورت نیاز به شکستن، یک بطری آب و یک بطری خالی با خود برداشتم. هیچ غذایی برنداشتم، زیرا آدم وقتی غذا می‌خورد، نیاز به تخلیه هم دارد.»

در آخرین لحظه، رابسون تصمیم گرفت کتاب آواز بیتلز را هم با خود بردارد. وی گفت که جان و پل در صندوقچه را با میخ محکم کردند و روی آن را برچسبی زدند: «شکندنده! سمت بالا! با احتیاط حمل شود!» وی گفت: «اما، البته هیچ‌کدام از آن‌ها رعایت نشد.»

رابسون گفت، پس از این که او را با هواپیمای «توربوپراپ» از ملبورن به سیدنی رساندند، باید ۲۲ ساعت با چمدانی بالای سرش، وارونه در جعبه می‌نشست تا زمان بارگیری به هواپیمایی که او فکر می‌کرد یک جت ۷۰۷ است، فرا برسد. با شنیدن صدای غرش موتورهای جت در قسمت بار، خیالش راحت شد، زیرا فکر کرد که سرانجام در راه بازگشت به انگلیس است.

اما رابسون نمی‌دانست که چون پرواز به لندن پر شده بود، او را در پرواز «پان ام» بارگیری کرده و از لس‌آنجلس عبور می‌دادند. رابسون گفت: «این وحشتناک بود. من در بخش بار دچار هذیان‌گویی شده بودم، زیرا نمی‌توانستم به درستی نفس بکنم. همه چیز سیاه و سفید بود و هوا نبود. تمام مفاصل و عضلات من مجاله شده بودند. چه حسی داشتیم؟ حسی شبیه مرگ.»

او می‌گوید با این وجود بازهم انگیزه‌ای نداشت که با استفاده از چکش از جعبه بیرون بیاید: «فایده‌اش چیست؟ من در هواپیما گیر افتاده بودم و جایی برای رفتن نداشتم. احتمالاً حالم کاملاً بد شده بود.» زمانی که هواپیما در فرودگاه لس‌آنجلس فرود آمد، نزدیک به پنج روز از گیر افتادن وی داخل صندوق با دست و پای جمع‌شده، می‌گذشت.

او سعی کرد به ساعت مچی خود نگاهی بیندازد تا زمان را بفهمد، اما به محض روشن کردن، چراغ قوه از دستش افتاد. وی گفت: «جایم خیلی تنگ بود و کنترل روی



خانوادگی آن‌ها را به یاد نمی‌آورد) با رابسون در راه آهن سابق ویکتوریا در ملبورن مأمور جمع‌آوری بلیت بودند. رابسون، که در کاردیف، ولز بزرگ شده و اکنون نیز ساکن آنجاست، به یاد می‌آورد: «همه ما همزمان استخدام شده بودیم و در پرواز انگلیس یکدیگر را دیده بودیم.»

وی گفت: «در سال ۱۹۶۴، من در پی ماجراجویی بودم و دولت استرالیا به دنبال کارگر. من از روی حماقت ثبت نام کردم. فکر کردم که می‌توانم طبق قرارداد، دو سال متعهد بمانم. اما وقتی به آن‌جا رسیدم، دلم خواست فوراً به خانه برگردم.»

رابسون گفت که به‌دلی «خواهنگاه پر از موش» وضعیت بدی داشت و نمی‌توانست غذا بخورد. وی گفت: «اولین وعده غذایی

که آن‌ها به ما دادند سوپ آبکی بود که یک توده چربی درونش بود. این وحشتناک بود. من به جان و پل گفتم: من این‌جا نمی‌مانم.» او خیلی زود فهمید که انتخابی جز ماندن ندارد. به رابسون گفته شد که اگر به تعهد دو ساله خود عمل نکنند، وی مجبور است هزینه بلیت هواپیما به ملبورن را به دولت استرالیا بازگرداند و باید هزینه بلیت خود را به انگلیس نیز خودش پرداخت کند.

وی گفت: «من هفته‌ای حدود ۳۰ تا ۴۰ پوند استرالیا درآمد داشتم و هزینه بلیت هواپیما، بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ پوند بود. به هیچ‌وجه نمی‌توانستم چنین پولی جمع کنم.»

رابسون فهمید که گیر افتاده است. او سعی کرد با کشتی‌هایی که به انگلیس می‌رفتند از آن‌جا برود، اما او را گرفتند و ۱۰ هفته زندانی شد.

سپس یازده ماه پس از ورود به ملبورن، وقتی همراه پل و جان بود، چیز جالبی دید. رابسون به یاد می‌آورد: «اطلاعیه‌ی باربری به انگلیس به چشمم خورد: «ما هر چیزی را به هر جایی منتقل می‌کنیم.» من

منبع: واشنگتن پست، کتی فری برگردان: شریفه عرفانی

در ماه می ۱۹۶۵، برایان رابسون پس از قریب به یک سال کار در ملبورن استرالیا، بسیار دلتنگ خانواده‌اش شد، اما پولی نداشت تا به مقصد ولز، بلیت هواپیما بخرد.

در اوج ناامیدی و مجبوری فکری عجیب به ذهنش رسید: او می‌توانست در جعبه‌ای مخفی شده و خود را به لندن برساند. به این ترتیب بود که رابسون ۱۹ ساله به همراه چمدان، چراغ قوه، کتاب آواز بیتلز، یک بطری آب و یک بطری خالی برای ادرار داخل جعبه‌ی چوبی خود را جای داد. او از دو دوست خود در ملبورن خواست که جعبه را با میخ محکم کنند، و مطمئن بود که ۳۶ ساعت دیگر در خانه خواهد بود.

اما این طور نشد. در عوض، سفر ۹۲ ساعته و بیش از ۱۳ هزار کیلومتری رابسون در لس‌آنجلس به پایان رسید و وقتی یکی از کارگردان حیرت‌زده‌ی فرودگاه از سوراخ جعبه نوجوان را دید، سفر او در سراسر جهان خیرساز شد. او در وضعیت نامناسبی بود و نیاز به مراقبت‌های صحنی داشت.

اکنون، ۵۶ سال بعد، رابسون ۷۵ ساله، کتابی در مورد حادثه‌ی ناگوار خود با عنوان «فرار با صندوق حمل بار» نوشته است که این ماه منتشر می‌شود. وی گفت که با یک شرکت سازنده انگلیسی قرارداد فیلم نیز امضا کرده است.

پس از دهه‌ها ناشناس ماندن، رابسون تصمیم گرفته به‌دلیل چیزی که سال‌هاست ذهن او را آزار می‌دهد، دوباره قصه‌ی خود را در کانون توجه قرار دهد: او به دنبال دو دوست ایرلندی خود می‌گردد که او را داخل صندوق چوبی لاک و مهر کردند و سپس آن را به کامیونی سپردند تا محموله‌شان را به فرودگاه برساند؛ هزینه‌ی او بیش پرداخته شده بود.

وی گفت که پل و جان (رابسون نام

عزیزی بانک Azizi Bank

آغاز پروژه توزیع مواد غذایی از سوی عزیزی بانک

عزیزی بانک و بانک اسلامی افغانستان به ادامه فعالیت‌های اجتماعی و خیریه‌ی خویش، این‌بار پروژه توزیع مواد غذایی را به مناسبت ماه مبارک رمضان در کابل آغاز نمود. این مواد غذایی که شامل آرد، برنج، روغن، لوبیا، بوره، چای و ماکارونی میباشند و بالای ۱۰ هزار خانواده نیازمند در سراسر افغانستان که از جمله ۱۵۰۰ بسته آن در کابل توزیع خواهد شد. در مراسم افتتاحیه توزیع این مواد بر علاوه ی رهبری عزیزی بانک و بانک اسلامی افغانستان، آقای محمد یعقوب حیدری والی کابل، غلام حیدر جیلانی معین وزارت کار و امور اجتماعی و سید محمد ربیب‌مسلم پرورشگاه علاءالدین و دیگر مقامات اشترک نموده بودند. در این مراسم آقای محمد سالم امید رییس اجرایی عزیزی بانک بر کمک‌های عزیزی بانک به افراد بی بضاعت و نیازمند تاکید ورزید. اشترک کننده گان برنامه بخاطر کار های خیریه و فعالیت‌های اجتماعی عزیزی بانک ابراز امتنان نمودند. عزیزی بانک همیشه تلاش میوزد که ضمن ارائه بهترین خدمات بتکلیف به هموطنان خویش در همه بخش‌های ممکنه همکاری نماید. قابل یادآوری است که برنامه توزیع مواد غذایی از کابل آغاز و قرار است به تمام ولایات کشور تمدید شود.